



## حرف اول: قداست معنوی و مهارت دینی روحانیون

پدیدآورده (ها) : حسینی خامنه ای، سید علی  
میان رشته ای :: پیام :: تابستان 1390 - شماره 106  
از 4 تا 7

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/930100>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی  
تاریخ دانلود : 29/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

عرواق



مجله تخصصی پژوهش‌های علمی و فلسفی

قداست معنوی  
مهارت دینی روحانیون

روحانیت دارای قداست است. مردم به من و شما که نگاه می‌کنند، به خاطر لباسمان، شأنمان و شغلمان، حساب خاصی برای ما باز می‌کنند و یک تقدسی قائلند. بعضی از گناهانی که خودشان می‌کنند، خیال می‌کنند ماها نمی‌کنیم؛ بعضی از کارهای خیری که خودشان انجام نمی‌دهند، خیال می‌کنند ما انجام می‌دهیم؛ خیال می‌کنند ماها دائم در حال ذکر الهی و توجه به پروردگار - که غالباً از آن غفلت می‌شود - هستیم؛ یک چنین تصوراتی درباره ما دارند. البته این تصورات را نباید تقویت کرد. امام سجاده علیه السلام در یکی از ادعیه صحیفه ثانیه سجادیه از خدای متعال شش چیز می‌خواهد، که یکی‌اش این است: «و لَبَّأ رَاجِحاً؛ باطنم از ظاهرم بهتر باشد.» ماها در این زمینه گرفتاریم. باید باطنمان از ظاهرمان بهتر باشد. این قداست را چگونه حفظ کنیم؟ حفظ قداست با سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ زی طلبگی است. نمی‌گوییم عبا ی پاره به دشمنان بیندازیم؛ معنای زی طلبگی این نیست. معنایش این است که در دنیا طلبی مثل دنیا طلبان عمل نکنیم؛ [تا اینکه] هر چه هوس کردیم، بخواهیم. من قبل‌ها روایتی دیدم که هر کس هر چه دلش خواست ببوشد، هر چه دلش خواست بخورد و هر مرکوبی که دلش خواست سوار شود، این شخص پیش خدای متعال ملعون است. این شأن پولدارها و پول پرست‌هاست. ما هم فلان چیز را هوس می‌کنیم، اما حالا پول نداریم، به مجردی که پول گیرمان آمد، فوراً می‌رویم آن را تهیه می‌کنیم؛ منتظریم که از این صد جزء اشرافیگری، وقتی این یک جزش فراهم شد، نود و نه جزء دیگر را هم در فرصت‌های دیگر همین‌طور بتدریج فراهم کنیم. این شأن طلبگی نیست. شأن طلبگی این است که انسان یک زی متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت

اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد. یک وقتی به مناسبتی خدمت امام رسیدیم؛ صحبت راجع به یک روحانی بود که یک تخلفی کرده بود و امام با ما مشورت می‌کردند که با او چگونه رفتار شود. من به ایشان مفصل گفتم که این پیروزی شما در انقلاب، محصول هزار سال آبروی روحانیت شیعه است... حالا بعضی از این هم‌لباس‌های ما مثل موریان‌های که در یک بنایی بیفتد، دارند این آبروی هزارساله را ذره‌ذره می‌خورند و از بین می‌برند؛ ایشان هم این معنا را تصدیق کردند. واقع قضیه همین است. باید مراقب باشیم ما جزو آن موریان‌ها نباشیم. خدای نکرده هر عمل زشت و وقیح و یک کار نامناسبی که از یکی از ماها سرزنس، رخنه‌ای در آن ذخیره ارزشمند هزار ساله روحانیت و علمای شیعه است.

یکی از کارهای دیگر ما که مهم است، کسب مهارت‌های دینی است. ما باید در رشته و حرفه خودمان مهارت پیدا کنیم. باید عالم و با سواد بشویم؛ فارسی‌اش این است. در دوران مبارزات و بحبوحه مبارزات - که دائم ما را می‌گرفتند و آزاد می‌کردند - یک مشت طلبه جوان با ما مرتبط بودند و ما با اینها کار سیاسی می‌کردیم. من به اینها می‌گفتم: بی‌مایه فطیر است. باید درس را هم بخوانید. آن رفقای که آن وقت ما در مشهد داشتیم - که از لحاظ سیاسی و انقلابی با ما مرتبط بودند - همه‌شان جزو طلبه‌های درس‌خوان بودند. باید با سواد شد و درس خواند. البته من اعتقادم بر این است که این درس خواندن، باید یک تحول عمیق و وسیع و همه‌جانبه‌ای در کیفیت تدریس و تدریس ما در سطح حوزه‌های کشور به وجود آورد، که حالا جای آن حرف اینجا نیست. ما نقص‌ها و کمبودهای زیادی داریم که باید نظام درسی ما، آن

کمبودها را جبران کند؛ نباید هم بگذاریم دیر بشود؛ اما به هر حال درس خواندن، باسواد شدن، با کتاب و سنت آشنا شدن، با مبانی معرفت دینی آشنا شدن؛ چه فقه، چه فلسفه، را باید یاد گرفت. باید انسان بتواند در میدان چالش‌های فکری امروز دنیا سینه سپر کند. امروز دنیا، دنیای تعارض فلسفه‌ها و فکرهاست. یکی از دلایلی که انقلاب اسلامی توانسته است در مقابل کارشکنی‌های غرب ایستادگی کند همین است؛ ما فکر به میدان آوردیم؛ ما مثل یک کودتا عمل نکردیم. امروز تفکرات اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی، تفکرات سیاسی و اجتماعی غرب را به طور جد به چالش کشیده است... پس پایه فکری را باید قوی کرد تا انسان در بیکار اندیشه‌ها و افکار گوناگون در امروز دنیا بتواند بایستد و جبهه خودش را حفظ کند.

عزیزان من! امروز تهاجم فرهنگی با استفاده از ابزارها و فناوری‌های جدید ارتباطی خیلی جدی است؛ صدها وسیله و راهرو اطلاعات به سمت فکر جوان و نوجوان ما وجود دارد؛ از انواع شیوه‌های تلویزیونی و رادیویی و رایانه‌ای و امثال اینها دارند استفاده می‌کنند و همین‌طور به صورت انبوه، افکار و شبیهه‌های گوناگون را در آنها می‌ریزند. باید در مقابل اینها ایستاد. امروز نمی‌شود به همان روش‌های قدیمی خودمان اکتفا کنیم؛ البته که جوان نمی‌آید. جوان را باید بشناسید؛ فکر او را باید بشناسید؛ آنچه را که به او هجوم آورده، باید بشناسید. تا میکروب و بیماری را نشناسید که علاج نمی‌توان کرد. اینها همه ملایبی می‌خواهد. درس خواندن، مطالعه کردن و کار کردن، که همه اینها زیر عنوان مهارت‌های دینی خلاصه می‌شود.

سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیون ۱۳۸۵/۸/۱۷